



در خط دفاع از پارسی دری

هدف ازین عنوان نه؛ آنست که من به نسبت صاحب نظران با صفا؛ شائستگی و بائیستگی وسیعتری داشته باشم؛ بلکه منظور از آن بمشترک گذاشتن آموختها و یاداشتهائی هست، که در سنگر دفاع از زبان اجدادی، در طی سالیان گرد آورده ام؛ اگر این اندوخته و نظرات را صواب یافتید باخود بدارید؛ اگر خطا تلقی شد از خیرش بگذرید.

یگانه خدمت دولتمردان کابل از سال ۱۹۳۰-۱۹۷۳ م خدمت واحدی، که آن ها بزبان ملت ما؛ شعوری یا غیر شعوری؛ انجام دادند؛ کلمه دری را بعد از فارسی اضافه کردند، و بالای کتابهای درسی نوشتند قرائت فارسی دری، که من ازین خدمتشان قدر دانی میکنم؛ اما طرز تحریر ما بشدت تقلیدی و تقلبی میشد، از سالهای ۱۹۵۰-۱۹۶۰ م، که مطبوعات و نوشته ما زیر تأثیر مطبوعه فرانکلن تهران قرار گرفت؛ ما بنزول و وابستگی فرهنگی تقلیل یافتیم.

ایران در سال ۱۳۸۸ هـ.ش (۲۰۰۹ م) خود اقرار کرد، که هفتاد فیصد متعلمین آنکشور دو زبانه هستند، یعنی هفتاد فیصد نفوس آنها ترک، ترکمن و... هستند. بنابراین علت طرز تحریر را بسوی زبان مادریشان که ترکی هست جهت دادند، و دولتمردان کابل چشمان بسته تعقیب نمودند، یک مثال از جمله ده ها: کلمات جدائی، رهائی یا هائی، جائی و... را مانند آنها جدایی، رهایی، یا هایی، جایی و... مینویسیم. همین دو یای ساکن را متواتر استعمال کردن؛ خصلت زبان ترکی و ترکهاست! در زبان پارسی دری در چنین حالت « یای معروف را مکسور مینویسند؛ مثلاً: عید، امید تغیر، تمیز و... زیرا درین زبان تکرار ساکنین در بین سخن، نقض کلام منطوق است؛ مانند: گل شب بو تنها گل شبو گفته می شود، سررشته، تنها سررشته، فرخ، فرخ، شب باز، شباز و...

اگر به کتابهای ترکی با رسم و خط عربی قبل از مصطفی کمال مراجعه شود؛ همین یاها و حروف مشابه تکراری زیاد بر میخوریم، یعنی کلام را با سکون آغاز کردن و تکرار ساکنین در بین جمله در آنزبان جائز است.

مثال برجسته کاین شیوه ترکی است و نه پارسی کلمه «آهن» است، که در زبان عامه ما پارسی دری گویان؛ آنرا «آهین» میگوئیم. همین آهین را صیقل کرده در آن صورت خود را دیدند، و آنرا آهینه خواندند، کاین کلمات از ریشه و تهاداب پارسی دری هستند. این کلمه با اساس همین تلفظ؛ با الف ممدود، ه هوز مکسور، یای مجهول و نون ساکن ادا میشود. همین ه مکسور با رایج شدن اسلام بحرف عربی همزه تبدیل شده است؛ یعنی آئین، آئینه، و این زیاده از هزارسال میشود؛ مانند دیگر حروف عربی چون ط، ص، ض، فاء... (جالب است، آواز فا در زبان پارسی اوستائی خیلی کمرنگ است؛ زبان پشتو که، یک شعبه از زبانهای اصیل اوستائی است، تا امروز حرف «ف» را بکار نمیبرد).

این حروف و حرکات بدان جهت در زبان ما داخل شده اند، تا در تلاوت و دوباره خوانی قرآن سکتگی رخ ندهد. اگر قرار شود که زبان پارسی از حروف عربی تجرید گردد؛ اولین حرفی که ترد شود «ف» است؛ زیرا این آواز در زبان پارسی اوستائی بمشکل عرض موقع میکند. تا قبل از هجوم چنگیز؛ پارسی، پوشنگ، سپید، گوسپند و... گفته و نوشته میشد. نثر تاریخ بیهقی بزرگترین شاهد و حجت این ادعاست.

پس همزه در بحث حاضر ما جای ه مکسور را گرفته است، یعنی تمام کلماتیکه به ه هوز مکسور نوشته میشدند به همزه تبدیل شده اند. مانند کلماتیکه در بالا مثال آوردیم (های، جاهی، رهای و... به هائی، جائی، رهائی و...) نوشته میشوند.

اینرا همه میدانند که مخرج تلفظی «ی» اگر مجهول باشد یا معروف؛ از مخرج تلفظی «ه هوز» اگر چه که متحرک هم شده باشد کاملاً جدا و متفاوت است، یعنی پارسی زبانان هیچوقت ه هوز را یا تلفظ نمیکنند؛ زیرا دو حرف جدا و مستقل از هم هستند، و اگر نه در جریان تکامل زبان یکی در دیگری ادغام میشد؛ اما چنین نشده.

در ایران هیچوقت آهن را آهین نگفته اند؛ و نه امروز میگویند. این بدان مفهوم است که در زبان آنها مخرج تلفظی برای ه هوز مکسور وجود ندارد؛ آنها حتی سیر ضد گرسنه را با سیر نبات و یا شیر درنده را با شیر لبن، در ارتفاع و تأکید هجائی مشابه تلفظ میکنند. در حقیقت «ی» مجهول را نمیشناسند؛ پس چگونه میتوانند آواز ه مکسور و جانشین آن همزه را تلفظ کنند؟ لهذا هر جا که همزه را ببینند بر آن یورش برده، آنرا اقلاً بیای معروف تغیر میدهند؛ مانند تبیین آیین، رییس و... گاهی «یا» ئی را بکار میبرند، که در زبان پارسی وجود ندارد؛ مثلاً، هائی، جائی، رهایی و... درین کلمات «ی» اول معروف است؛ اما «ی» دوم از حدود آوازی و تلفظی زبان پارسی دری کاملاً

بیرون و ناشناخته است! در حقیقت ترکی، آذری، ارمنی و ... است. هرگاه آنها رهایی، جدایی، هایی و ... مینویسند؛ باین علت استکه، پارسی را با لهجه ترکی تقریر و تحریر میکنند. درین کلمات یک «ی» معروف است و دومی یای ترکی و شاید آذری و ... باشد که بیرون از حدود تلفظی زبان پارسی قرار دارد.

ترک و ترکمنها از تاریخ و طرز ترکیب و تشکل این کلمه و تکامل حروف آن آگاهی ندارند؛ زیرا در زبان ایشان آواز معروف و مجهول وجود ندارد؛ اما دری زبانان که وارثین برحق تمدن خراسانی و زبان پارسی دری هستند؛ چرا پا در جای پای ترکها و تکمنها میگذارند؟ بزبان اجدادی تعرض و توهین ادا میدارند!

من در جدالی که بالای همین موضع با سایت افغانستان آزاد افغانستان؛ داشتم مسأله تلفظ را دانشمند، آن سایت جناب معروفی نمیتوانست درک کند. من برایش نوشتم :

در مورد اینکه جناب معروفی نقش محتسب زبان را در خارج کشور بعهدہ گرفته ؛ امر نیک و بدی است؛ ؛ اما نصف سخن، یعنی آهنگ آنرا همچو ایرانی‌ها یا بیپروی از آن‌ها بیاد فراموشی داده است؛ هر صاحب نظری میداند که این همه جزع و فزع شما برای فرار از کوتاهی دید شما در شناخت هجائی این زبانست؛ زیرا یک کلمه سه هجائی «جدی ئی»؛ را با یک کلمه دو هجائی «جدیی» عوض میکند، هر قدر که میگویم این موضوع آواز است نه گرامر املا و انشأ؛ کجاست گوش شنوا ... ، چند نوع آواز «ی» وجود دارد، و «جدیی» شما را چگونه باید تلفظ کرد؟.

سایت معروفی در بست سانسور کرد. کلماتیکه با دو حرف سکون مشابه یا غیر مشابه نوشته می شوند؛ در زبان ما قابل تلفظ نیستند! ؛ چنانچه مثال گل شیو، سرشته، یاداشت، جداست و ... را در بالا نشان دادیم؛ مگر اینکه، از دو حرف تکراری یکی باید الزاماً متحرک باشد؛ مانند تردد، تجسس، تتبع، کشش و ... در تردد دال اول متحرک است؛ همچنان در تجسس و ...، این قانون عام تلفظی پارسی دری است، که دو حرف ساکن اگر مشابه باشند یا نه یکی از آن‌ها در تلفظ نمی آید. مفتی مردآبادی در میزان الافکار ... ص ۱۹۱ میگوید: «حروف ساکن چون متوالی شوند رشته سخن را منحیث الوزان از یکدیگر بریده گردانند و وزن باطل شود و نیز در نطق آوردن آن سواکن در اثنای سخن اقتضای کلفت کند.»

وقتیکه **جدائی را جدایی، جدی ئی را جدیی** و ... مینویسند؛ در حقیقت آنچه بزبان میگویند با دست نوشته اند؛ زیرا این یا ها ساکن هستند، پارسیبان واقعی آنرا تلفظ کرده نمیتواند؛ اگر ازین یا ها یکی متحرک هست، حرکتش کدامست؟ قبول کنیم که یا اولی مکسور است در آنصورت این کلمه جدایی

(jodayaie) خوانده خواهد شد ؛ اما مسلم است هر دو ساکن هستند، کاین طرز تلفظ ترکی و ترکمنی است!.

لهذا در خط دفاع قرار بگیریم و از دوبار یا نوشتن پرهیز کنیم!!

انتهی